

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۲۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ • ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۹ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۹۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۴:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۴
اذان صبح فردا ۳:۱۲ • طلوع آفتاب ۴:۵۶

شترت

دیالوگ روز

استاد اعظم - ووئگ کار وای - ۲۰۱۳

ایپ من (تونی لئوئگ)؛

می‌کن «اونی که از همه کامل‌تره، به نوعی معیوبه»

تنها به‌وسیله عب‌هاست که می‌تونیم پیشرفت کنیم.

این به ضرب‌المثل واقعا مفیده.

کودک

به‌بهانه روز ادبیات کودک و نوجوان در تقویم ۱۸ تیرماه

رنجی‌که ادبیات کودک از رسانه می‌برد



احمد افروز

کارشناس رسانه و ارتباطات

ادبیات، شاکله فرهنگ و مایه رشد و بالندگی ملت‌هاست. در ساختار فرهنگی هر ملتی، ادبیات کنجینه ارزشمند و مایه مباهات ملی بوده و آموزه‌های ارزشمند اخلاقی و تربیتی آن زمینه‌ساز تفاهم و تعامل اجتماعی افراد و در نهایت ترویج فرهنگ زیست اجتماعی سالم است.

یکی از شاخه‌های جدی ادبیات، ادبیات کودک و نوجوان است که می‌توان آن را مجموعه‌ای از نوشته‌ها و سروده‌های ادبی ویژه این گروه سنی شام‌ل؛ بخشی از فرهنگ شفاهی عامه، مانند لالایی‌ها، مَثَل‌ها، مَثَل‌ها و قصه‌ها و حتی ضمیمه گسترده‌تر آن یعنی داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، شعرها و… دانست.

پیکاسو نقاش بزرگ می‌گوید: «بزرگ‌ترین پدیده قرن بیستم ادبیات کودکان و نوجوانان است». شاید توجه به همین موضوع بوده است که در تقویم کشور ما ۱۸ تیرماه به نام روز ادبیات کودک و نوجوان نام‌گذاری شده است. کودکان سرزمیابه‌های اجتماعی و آینده‌سازان یک جامعه هستند و اگر در آموزش آنان کوتاهی شود می‌توان مرگ تدریجی یک جامعه را در گذرگاه زمان به نظاره نشست. امروزه رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در رفتار کودکان و نوجوانان و تغییر رفتار اجتماعی آنان، دارای نقش مهمی هستند. رسانه به ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری در مواجهه با ادبیات دو رسالت مهم بر عهده دارند. اول، ترویج و آموزش ادبیات کلاسیک کشور و آگاهی‌بخشی به کودکان و نوجوانان درخصوص ریشه‌های فرهنگی و ادبیات کهن جامعه و معرفی بزرگان ادبیات کشور و دوم تولید محتوا با هدف آموزش و ایجاد علاقه در بین کودکان و نوجوانان نسبت به ادبیات روز و بسترسازی برای رشد استعدادها و خلاقیت‌ها.

در عصر حاضر نفوذ و تأثیر رسانه در زندگی مردم غیرقابل انکار است. افراد در جوامع امروز از نخستین ساعت تولد با رسانه بزرگ می‌شوند. شهروندان بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. به عبارتی در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون انجام می‌شود.

از تأثیر رسانه در تربیت و جامعه‌پذیری کودکان است که رابطه رسانه‌ها با این قشر همیشه محل بحث و پژوهش‌های علمی بوده و یکی از وجوه این پژوهش‌ها مسئله محتوا و کارکرد آموزشی رسانه است. رسانه در وجه آموزشی خود مأموریت دارد تا در راستای کارکرد انتقال فرهنگ و هویت‌بخشی ملی، نسبت به آموزش مفاهیم و واژگان فرهنگی منبعث از ادبیات، اقدام کند. در این میان کلان رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون به صورت اولی نقش پررنگ‌تری برای انتقال این مفاهیم به کودکان دارند.

روان‌شناسان، دوران کودکی و نوجوانی را از بنیادی‌ترین مقاطع رشد انسان می‌دانند و معتقدند شخصیت افراد در این دوران پایه‌ریزی می‌شود؛ پس آموزش درست ادبیات و تولید محتوای مناسب مبتنی بر ادبیات اصیل و هویت‌بخشی ملی از این رهگذر، از حقوق مسلم شهروندان به‌ویژه کودکان است که ذهنشان در حال دریافت آموزه‌های متنوع برای شکل‌گیری شخصیت است.در کارنامه عملکرد صدوسیما نه تنها نمودار تولید این نوع برنامه‌ها رو به افول است بلکه بعضاً محتوای تولیدشده نیز محل بحث و انتقاد است. این مسئله را می‌توان در میزان همکاری محققان ادبی، پژوهشگران فرهنگی و نویسندگان و شعریا معاصر با صدوسیما دریافت. هنوز در خاطر کودکان دهه‌های ۵۰ و ۶۰ تا حدودی ۷۰ پخش برنامه‌ها و کارتون‌های پرکفره از ادبیات کلاسیک مانده است. برنامه‌هایی که رسانه ملی در دو دهه اخیر از آن کم بهره برده است.

پایان سخن اینکه کودکان این سرزمین نیاز به فرهنگ و هویت دارند. وظیفه ذاتی رسانه آموزش و انتقال مفاهیم برای تأمین اهداف مزبور است و این امر ممکن نیست مگر با همکاری جمع کارشناسی متشکل از نویسندگان، تولیدکنندگان، برنامه‌ریزان و مدیران پاداش و آتش با ادبیات، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کودک و نوجوان.

به یاد مهدی جعفری

قلب ماجرا؛ رنج تنهایی



مهرنوش جعفری

حوزه مطبوعات با دلی شکسته و «تنهامانده» غریبانه به دیار باقی شتافت. نوشته‌ای که مهدی نزد خانواده مادری‌اش به یادگار گذاشته، می‌گوید که او با مرگی خودخواسته به زندگ‌اش پایان داد. متأسفانه جامعه سنتی «آبرومندانه» و بنابراین «خودخواسته» از کنار «مرگ خودخواسته» می‌گذرد و رد اِبهامی را بر اذهان باقی می‌گذارد که گاه فرصت سو‌برداشت و سوء‌استفاده‌هایی را فراهم می‌کند.

این قلم اولا به احترام شخصیت مهدی جعفری و ثانیا بنا بر اهمیت پدیده مرگ خودخواسته لازم می‌دانم اجمالا از هر دو وجه عام و خاص به این حادثه تلخ بپردازم.

وجه خاص

در وجه خاص، نکته‌ای راجع به نوع و کیفیت روابط و سابقه آشنایی‌ام با خانواده پدری و مادری مهدی بیان می‌کنم. من عموی مهدی و همکار چندین‌چندساله او در وزارت ارشاد، با مادر مهدی علاوه بر نسبت سببی، پسرعمو و دخترعمو هستیم. مادر مهدی از حدود ۱۳سالگی و در اوایل دهه ۴۰ شمسی عروس خانواده ما و همسر برادر ارشدمان شد. این را گفتم تا کیفیت روابطم با این خانواده را بهتر توضیح داده باشم. به بچه‌های مادر مهدی یعنی چهار پسر و یک دختر که همگی به رحمت خدا رفته‌اند، نگاه متفاوتی داشتم؛ به‌ویژه به «سیاوش» پسر دوم خانواده که در ۱۶سالگی در سال ۶۵ در شلمچه شهید شد. او بسیار مؤدب و مآخوذ به حیا بود؛ باهوش و چنان متواضع که هنگام حرف‌زدن -البته اگر لازم بود که چیزی در جوابت بگوید- سرش را به زیر می‌افکند و با آرامی و بسیار کوتاه جواب می‌داد. مهربم و درمان‌قفر و نداشتن‌ها برای این نوجوان دهه شصتی جنوب شهر، به تعبیر مرحوم دکتر شریعتی، «نخواستن» بود و سوختن و ساختن با آنچه با دسترنج اندک پدرشان نصیب‌شان می‌شد.

خلقیات مهدی جعفری هم از جهاتی شبیه برادرش سیاوش بود؛ حیا و فروتنی و ادب و حلم و از همه مهم‌تر اینکه دل به دنیا نداشت، جز سودای زندگی عاشقانه و صادقانه و عاری از دروغ. رویکرد پژوهشی او مطالعه و تحقیق درباره مطبوعات کشوری مانند افغانستان بود و در این راه آثاری نیز از خود بر جای گذاشت و گویا مطالبی هم باقی گذاشته است

هنر خوانی

شازده کوچولو در مشهد

ایسن روزها در هنرخانه «بن‌بست» در شهر مشهد آثار متفاوتی به نمایش در آمده است. خالق این آثار «راستین» پسر ۱۰ساله‌ای مبتلا به اوتیسم است و با تسلط حیرت‌انگیزی به طراحی، مکانیسم و پروسه پرتاب فضایی‌ما را به تصویر می‌کشد. رها مادر راستین آثار او به گرامر بصری است. راستین به عنوان یک اوتیستیک در حیظه زبان با چالش‌های بسیاری مواجه است اما در طراحی بدون کمترین آموزشی به یک ابزار بیانی بی‌نقص دست یافته و ایده‌هایش را به شکل خلاقانه‌ای با کادرهایی سینمایی، با پلان‌بندی‌های متنوع و بسیار حساب‌شده، قاب‌بندی می‌کند. عنصر زمان و ثبت جزئیات، اغلب از دید دریچه دوربین با نشانه‌های دیجیتالِ آن بوده و واجد دقتی خارق‌العاده در پرسپکتیوهای سه‌نقطه‌ای و هم‌زمانی رویدادهاست. روایت در آثار او ساختاری علمی و تحقیقاتی دارد و نشان از توجه عمیق او به جزئیات دارند.»

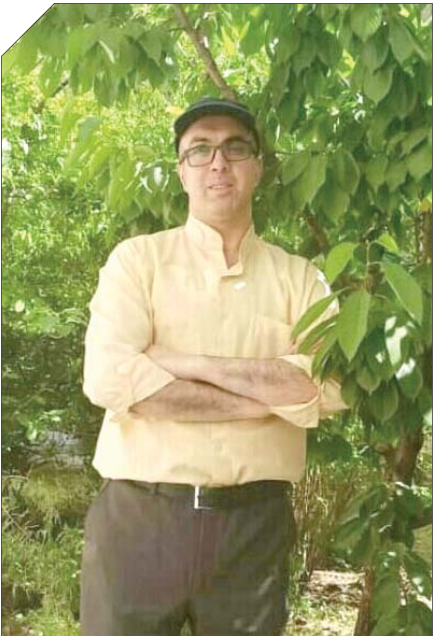
این نمایشگاه با عنوان سیارک نادری ۵۵۱۵، یادبودی است که به زنده‌یاد، دکتر فیروز نادری تقدیم شده و در آن راستین به‌عنوان شازده کوچولویی در جست‌وجوی سیارکی امن معرفی شده است.

بازدید از این نمایشگاه تا چهارشنبه ۲۱

تیرماه در هنرخانه بن‌بست ادامه دارد.



♦ مردم تهران به منظور بزرگداشت واقعه غدیر خم بعدازظهر جمعه شانزدهم تیرماه در اجتماع «مهمونی ۱۰کیلومتری» از میدان امام حسین تا میدان آزادی شرکت کردند. عکس:عباس کوثری شرق



نمی‌تواند کمکی به پیشگیری این پدیده کند. در باور عمومی، خاتمه‌دادن به زندگی نه‌تنها امری مذموم؛ بلکه مستوجب عقوبت است؛ اما آیا این عمل درباره کسی که مثلاً در نتیجه ضرر مادی و ورشکستگی مالی رخ می‌دهد، با مورد امثال مهدی یکسان است؟ قضاوت ما با داوری خداوند یکی است؟ مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دراین‌باره و درباره جامعه ما چه می‌گوید؟ در خرد دیدم که آورده‌اند مهدی ایست قلبی کرد و بعد هم چند خط از رزومه‌اش بیان می‌شود؛ اما واقعیت همین بود؟

ثانیا در دنیایی که از تنهایی آدم‌ها و بی‌توجهی به حال یکدیگر به‌عنوان ویژگی عمومی جوامع امیزه یاد می‌شود، اساسا کسی هم زحمتی به خود نمی‌دهد تا از این دست مرگ‌ها رمزگشایی کند. در این مورد سخن استاد ملکیان به نقل از آلبرت شوایتز جالب است که می‌گفت: «از وقتی قدرت رنج در من بیشتر شد، بیشتر به انسان‌ها نزدیک شدم. در سوربن و در پاریس که زندگی می‌کردم، با آدم‌ها خیلی میانه خوبی نداشتم؛ ولی از وقتی وارد آفریقا شدم و از دیدن این اوضاع و احوال مدام رنج بردم، از آن روز به بعد، من بیشتر انسانم؛ چون هم‌سرشتی و هم‌سرنوشتی با انسان‌های دیگر را بیشتر احساس می‌کنم. هیچ‌وقت شادی، به اندازه رنج، بین آدم‌ها پیوند برقرار نمی‌کند. در مجلس عروسی که همه شاد هستند، هر کسی

در تنهایی بیشتر شادی می‌برد؛ اما اگر همین آدم‌ها در اتاق انتظار بیمارستان نشسته باشند، نزدیکی‌شان به هم چقدر بیشتر است. هرچه رنج‌مان بیشتر می‌شود، کاتان‌های ارتباطی ما با انسان‌های دیگر بیشتر می‌شود. از اتم‌های انسان‌ها، مولکول درست می‌شود.»

در جوامع دور و بیگانه از هم که سرها در صفحه گوشی‌هاست تا چشیدن برق محبت در نگاه یکدیگر و درک طعم رنج روحی و روانی و مادی آدم‌های پرانکنده در دور و اطراف‌مان، درک حقیقت مرگ انسان‌هایی به‌ظاهر معمولی مانند مهدی که انتظاری جز زندگی عاشقانه ندارند و دنیا را بحق به سخره می‌گیرند و به نقطه‌ای می‌رسند که شیشه عمرشان را می‌شکنند تا از آزار دروغ رها شوند، آسان نیست. به‌راستی دراین‌میان بودن و نبودن امثال مهدی چه اهمیتی دارد؟

اگر شهادت سیاوش مایه افتخار (خانواده و جامعه) باشد، مرگ غریبانه مهدی و امثال او مایه تأثر، تبه و تأمل و نیز مستوجب بیداری همه ماست و نباید از کنار آن به‌سادگی عبور کرد. اگر یک برادر شهید مثل مهدی که خود نیز باورهای مذهبی محکم داشت، به مرگ خودخواسته می‌رسد، چه باید گفت؟ با مرگ مهدی اینک مادر او در ۷۲سالگی شاهد ششمین داغ بزرگ زندگانی‌اش است و از اعضای یک خانواده شش‌نفره فقط یک مادر، زنی تکیده و رنجور باقی مانده است.

شبکه‌خوانی

مرگ برای نان، کفش و مرغ

در ۴۸ ساعت سه مرگ رخ داد که بسیاری را دچار اندوه کرد و یادآوری کرد که بسیاری از مردم در شرایط سختی زندگی می‌کنند. درگیری بر سر قیمت مرغ، مرگ در مترو برای برداشتن کفش نو و قتل بر سر نان در سراوان.

همشهری، ارگان شهرداری، برای اولین بار این خبر را منتشر کرد که عصر سه‌شنبه مرد ۶۰ساله‌ای یک جفت کفش نو خریده و در ایستگاه کنار سکو ایستاده بود تا قطار برسد؛ اما به دلیل ازدحام شدید ناگهان جعبه کفشی که در دست داشت، از دستش روی ریل افتاد. پس از این اتفاق مرد میانسال به جای اینکه از مأموران مستقر در مترو کمک بخواهد، خودش برای برداشتن کفش از روی ریل اقدام کرد که ناگهان قطار رسید و با مرگ میانسال برخورد کرد.

منابع خبری در سیستان‌وبلوچستان اعلام کردند که یک جوان اهل سراوان ۱۴ تیر ۱۴۰۲ در درگیری در صف نانوایی با چاقو کشته شده است. شلوعی و طولانی‌بودن صف نانوایی باعث درگیری شده است. طبق گزارش رسانه‌ها کاهش سرانه آرد در سیستان‌وبلوچستان در کنار فقر و خشک‌سالی بی‌سابقه، باعث شده صف‌های طولانی تهیه نان از بهمین سال گذشته در این استان تشکیل و اکنون به درگیری و فاجعه ختم شود.

چند روز پیش هم خبر داده شد در یک اتفاق ناگوار یک فقره قتل بر اثر گرانی مرغ و نزاع برای دستیابی به گوشت مرغ رخ داد. جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان چالوس از وقوع این درگیری و قتل خبر داد و اعلام کرد یک مسافر با صاحب مغازه درگیر شد و منجر به کشته‌شدن فروشنده شد. سرهنگ محسن سلیمانی، جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان چالوس، ضمن اعلام خبر وقوع یک فقره قتل در بخش مرزن‌آباد چالوس بر اثر گرانی مرغ تشریح کرده بود: «این حادثه بر اثر مشاجره بر سر قیمت گوشت مرغ میان مسافر و فروشنده رخ داد که منجر به قتل مرغ‌فروش شد».